**انترناسیونال ۶۸۹**

**حكم ترامپ در ممنوعیت شهروندان هفت كشور**

**كدام اهداف؟ كدام چشم انداز؟**

**این مصاحبه بر مبنای برنامه تلویزیونی گفتگو تنظیم شده است.**

***پرسش:*** *دستور العمل جدید دانالد ترامپ، رئیس جمهور جدید آمریكا، با موجی از واكنشهای اعتراضی درسطح آمریكا و جهان مواجه شده است. این دستور العمل چه میگوید؟ دامنه این اعتراضات چیست؟ شعارهای محوری كدام است؟*

**علی جوادی:** این "حكم ولایتی" ورود شهروندان هفت كشور اسلام زده از جمله ایران را به آمریكا برای مدت سه ماه و ورود پناهندگان این كشورها را برای مدت چهار ماه ممنوع كرده است. پناهندگان سوری برای همیشه از ورود به خاك آمریكا منع شده اند. در پس اجرایی شدن این "حكم ولایتی" تعداد زیادی را از فرودگاههای محل ورود به آمریكا، علیرغم داشتن ویزای معتبر، به كشورهای محل تولد دیپورت كردند. حتی كودك چهارساله ای را كه دارای تابعیت آمریكا بود به بهانه پوچ و واهی "امنیت آمریكا" در فرودگاه دالس دستبند زده و برای ٥ ساعت بازداشت كردند.

اما از همان ابتدای صدور این حكم ضد انسانی ما شاهد شكل گیری اعتراضات گسترده و وسیعی در مخالفت و در همبستگی با قربانیان آن مواجه شدیم. بسیاری از فرودگاههای بین المللی كشور و همچنین كاخ سفید محل تجمع اعتراضات گسترده اردوی آزادیخواهی در مقابله با این تهاجم فاشیستی هیات حاكمه جدید آمریكا شد. شعارها انسانی و برابری طلب بود: "نه منع، نه دیوار"، "هیچ انسانی غیر قانونی نیست"، "این سرزمین من است، سرزمین تو است، سرزمین ما است"، "تعرض به مهاجرین ممنوع". بسیاری برای كمك های حقوقی و ترجمه به سمت فرودگاهها شتافتند. بسیاری از وكلای مدافع حقوق مدنی دادگاهها را با موجی ازدعاوی حقوقی مبنی بر نقض حقوق مدنی این افراد و غیر انسانی بودن این "حكم حكومتی" آن مواجه كردند. بطوریكه با حكم یك دادگاه نیویورك توانستند حكم تعلیق موقتی این حكم و آزادی افرادی را كه در فرودگاهها تحت بازداشت بودند، دریافت كنند. این اعتراضات همچنان ادامه دارد. مراكز دانشگاهی، حتی موسسات عالی تكنولوژیك نیز به اعتراض پرداخته اند.

***پرسش:*** *نقد اصولی و عملی شما به این سیاست چیست؟*

**علی جوادی**: ما اصولا منتقد سازمانیابی جوامع بشری بر مبنای كشور و جدایی مردم این كره خاكی بر مبنای جغرافیای مكان تولد هستیم. ما از جامعه ای كه به دور آن سیم خاردار و دیوار بكشند، مردم جامعه بشری را تحت انقیاد طبقه حاكمه نگهدارند، تا بهتر بتوانند استثمارشان كنند، بیزاریم. ما بطور اصولی با تقسیم بندی جامعه بشری بر مبنای كشور مخالفیم. ما از اینكه باید از نیرویی- دولتی برای سفر و چرخش در این جهان با هزار خواهش و تمنا و مورد تحقیر واقع شدن "روادید" گرفت، بیزاریم. ما از اینكه مانع و سدی در رابطه با ورود و خروج انسانها مبنی بر اینكه كجا زندگی كنند، كجا كار كنند، به كجا سفر كنند، از كجا بازدید كنند، بیزاریم و چنین سازمانیابی را ضد انسانی میدانیم. ما این موانع را عقب مانده، ارتجاعی و مغایر با اصل اصالت آزادی و برابری انسانها میدانیم. جامعه مورد نظر ما جامعه ای جهانی مبتنی بر تعاون و نه رقابت است. مرزهای ملی و كشوری باید ملغی شود!

اما مادامیكه و تا زمانیكه چنین مرزها و تقسیمات كشوری موجود است ما خواهان: "ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر كشورها. اعطای تابعیت كشور به هر فرد متقاضی كه تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و كار برای متقاضیان اقامت" در ایران و هر گوشه ای از جهان هستیم. (یك دنیای بهتر، برنامه حزب كمونیست كارگری)

اما نقد مشخص من به این "حكم ولایتی": این حكم بر خلاف ادعای پوچ و ظاهری آن تعرضی به حقوق مدنی شهروندان هفت جامعه است كه جرمی به غیر از تولد در جغرافیایی كه خود هیچ دخالتی در وقوع آن نداشته اند. این حكم شهروندان این جوامع را به جرم حاكمیت دولتها و جریانات تروریستی – اسلامیستی بر سرنوشتشان مورد تعرض قرار میدهد. این حكم قربانیان اسلام سیاسی را مورد تعرض قرار میدهد و مجازات میكند، كسانی كه برای فرار از كثافتی كه اسلام سیاسی بر زندگی شان زده است، ناچار به فرار و انتخاب مكانی دیگر برای كار و زندگی و تحصیل شده اند. این حكم بعضا مردمی را كه خود تاریخ درخشانی از مبارزه علیه اسلام سیاسی خلق كرده اند، مجازات میكند. این یك مجازات دسته جمعی است. به لحاظ فسلفه قضایی متعلق به قرون وسطی دارد، قبیله ای و ارتجاعی است. این حكم انسانهای بیشماری را به خاطر جرمی كه مرتكب نشده اند، مجازات میكند. ضد انسانی و عقب مانده و ارتجاعی است.

***پرسش:*** *بطور چه اهدافی در پس این تعرض دنبال میشود؟ این گوشه ای از كدام سیاست ماكرو و عمومی تری است؟*

**علی جوادی:** بنظر من این اقدام در پایه ای ترین سطح همانطور كه اشاره كردید گوشه ای از یك تعرض عمومی و بنظر من نئوفاشیستی برای باز تعریف و تغییر سیاست طبقه حاكمه در آمریكا و متعاقبا در سطح جهانی است. اما مشخصا به این سئوال باید پاسخ داد كه چرا و چگونه؟

این لیست همه كشورهای اسلام زده و یا به اصطلاح "مسلمان نشین" را مورد تعرض قرار نداده است. از این رو آن شاخه ای از اسلام سیاسی كه پروآمریكایی است و در تقابل با شاخه دیگر آن و مشخصا حكومت اسلامی در ایران قرار دارد، در این لیست قرار ندارد.

اما كشورهایی كه شهروندان آن در این لیست كذایی قرار گرفته اند، اساسا حوزه هایی از نفوذ و عملكرد حكومت اسلامی حاكم بر ایران هستند. عراق، سوریه، یمن، سودان، به طور مشخص و قابل وضوحی. و به قول رودی جولیانی، شهردار سابق نیویورك و از همدستان باند ترامپ، هدف كشورهایی است كه "منشاء خطرند". و اگر شما دولتهای كشورهای ذكر شده در این لیست را در كنار تبلیغات سیاسی محافل فكری اصلی در هیات حاكمه كنونی آمریكا قرار دهید، مبنی بر اینكه "تمدن غرب" مورد تعرض "تروریسم اسلامی" قرار گرفته است، ما در گرماگرم "جنگ تمدنها" هستیم، متوجه خطوط اصلی نقشه عمل عمومی این جریان میشوید.

این جریانات دارند میكوشند كه حكومت اسلامی در ایران و اسلام سیاسی آنتی آمریكایی را در مكان و ظرفیت كیسه بوكس و نیروی "شر"، نیروی "ضد مدنیت غرب" و در مقابل آمریكای "سفید و مسیحی" قرار دهند. میخواهند بلندش كنند، تا بكوبندش و احتمالا به جنگش بروند. میخواهند برای این دوره جدید از تكاپوی آمریكای میلیتاریست یك دشمن به اصطلاح "قابل" و "قدر" تعریف كنند. (و این مائده ای آسمانی برای حكومت جانیان اسلامی است. دستشان را برای تعرض به تحركات گسترده جاری در جامعه بازتر میكند.) این سیاست به طور ویژه ای سیاست قبلی هیات حاكمه آمریكا را كه اساسا خود را در مقابله با "روسیه جدید"، "روسیه پوتین"، در دوران پس از جنگ سرد تعریف میكرد و میكوشید كه آرایش كنونی جهان سرمایه داری در غرب را اساسا در قبال این روسیه تعریف و باز تعریف كند، به كناری میزند. نزدیكی و چرخش سیاسی موضع سیاسی هیات حاكمه جدید آمریكا در قبال روسیه اساسا در این چهارچوب قابل تبیین است.

چرخشهای سیاسی بسیاری در سطح جهان در حال شكل گیری است. جهان وارد دوران پر تلاطمی از تاریخ خود شده است.

***پرسش:*** *مبلغین این سیاست میگویند كه برای حفظ امنیت داخلی مردم آمریكا ناچار به صدور این دستور العمل شده اند؟ پاسخ شما چیست؟ برای حفظ امنیت مردم از تعرض تروریسم واقعا چه باید كرد؟*

**علی جوادی:** مزخرف میگویند! حتی خود مبلغین "فهیم تر" طبقه حاكمه آمریكا میگویند كه خطری از جانب این مردم متوجه مردم در آمریكا نیست. میگویند احتمال اینكه شهروند آمریكایی مورد تعرض تروریستی این افراد كه در لیست سیاه قرار داده شده اند قرار گیرد از احتمال تصادف در اتوبانهای آمریكا با گاو یا خطر كشته شدن در حین پوشیدن لباس، كمتر است!؟

واقعیت چیز دیگری است. اینها دارند "نیروی شر" جدید را تجدید در دوران ترامپ تعریف میكنند. در دوران جنگ دوم جهانی هم شهروندان ژاپن را دستگیر و روانه كمپهای اجباری كردند. دارند در این راستا حركت میكنند. البته جامعه هم ساكت و بی اعتنا ننشسته است. آن دوران و آن فجایع هم بهیچوجه به سادگی قابل تكرار نیستند. جامعه اجازه نخواهد داد.

بعلاوه نیرویی كه خود سهم مهمی در به قدرت رسیدن هیولای اسلام سیاسی در ایران و بخشهایی از خاورمیانه داشته است، نمیتواند مدعی مبارزه جدی علیه اسلام سیاسی باشد. كسانی كه خود عصای زیر بغل و چوبدستی اسلام سیاسی در تسلط بر جوامع بشری شده است، نمیتوانند مدعی مبارزه جدی علیه اسلام سیاسی باشند. كسانی كه خود همواره و هم اكنون نیز اسلام سیاسی را به "خوب و بد" تقسیم میكنند، و از بخش "خوب" آن بر علیه بخش دیگر آن دفاع میكنند، نمیتوانند مدعی مبارزه جدی علیه تروریسم اسلامی باشند. كسانی با جنگ و میلیتاریسم و لشگر كشی به عراق دست به كشتار بیش از یك میلیون انسان بی گناه و نابودی شیرازه جامعه زدند و زمینه را برای تحرك گسترده تر تروریسم اسلامی و به میدان آمدن هیولای دیگری، داعش، فراهم كردند، نمیتوانند مدعی مبارزه علیه تررویسم شوند. كسانی كه هم اكنون از پدر خوانده های داعش و سایر شركاء شان دفاع میكنند و انها را تجهیز میكنند، نمیتوانند مدعی مبارزه علیه تروریسم اسلامی شوند. اینها خود روی دیگر همان توحش و ضدیت با انسان امروزی اند.

برای تامین امنیت و آسایش مردم باید به سراغ دولتها و گروههای اسلامی رفت. باید بشریت را از شر این نیروها خلاص كرد. جنگ و میلیتاریسم و لشگر كشی نه تنها پاسخ نیست، بلكه خود بخشی از مساله و روی دیگر همان سكه است. آخوندهای مسلح و دولتها و جریانات تروریستی و ژنرالهای آماده شلیك هر دو دشمن آزادی و آسایش و امنیت مردم اند. برای خلاصی از شر تروریسم اسلامی باید ریشه ها و زمینه های آن را علاوه بر دولتها و گروهبندیهای آنها مورد تعرض قرار داد. و این كار ماست. كار جنبش كمونیسم كارگری است. هر درجه گسترش آزادی و برابری و رفاه مردم گام بزرگی در حفظ آسایش و امنیت مردم است. حل مساله فلسطین و ایجاد كشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین یك حلقه مهم در این چهارچوب است. استراتژی ما برای نابودی تروریسم اسلامی، سرنگونی حكومت اسلامی و حل مسائل ریشه ای است كه به این جنبش پرو بال داده است.

**پرسش:** برخی میگویند كه این دستور العمل یك اقدام علیه "مسلمانان" است. اقدامی برای "ممنوعیت مسلمانان" به آمریكا است. آیا به عنوان یك جریان ضد اسلامی نباید با این اقدام همسویی كرد؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! ابتدائا باید تاكید كنم كه ما خود در صف مقابل هر نوع تعرضی به شهروندان جامعه مستقل از تعلق و باورهای مذهبی و خرافی و هر باوری هستیم. تعرض به مردم منتسب به اسلام تعرض به جامعه است. ضد انسانی است. ما برای جامعه ای مبارزه میكنیم كه هیچگونه تبعیضی در آن بر حسب جنسیت، ملیت، تكلم به زبانهای مختلف و یا مذهب وجود نداشته باشد. ما در حین مبارزه برای كوتاه كردن دست مذهب از زندگی مردم در سطح حقوقی برای آزادی مذهب و بی مذهبی مبارزه میكنیم.

بعلاوه اطلاق "مسلمان" و یا "اسلامی" قلمداد كردن مردم و جامعه ایران یك سیاست آشكارا ارتجاعی و در خدمت جنبش كثیف اسلام سیاسی است. ما بارها اعلام كرده ایم كه ایران جامعه اسلامی نیست. دولت ارتجاعی حاكم بر ایران اسلامی است. باید كور بود و ندید كه جامعه ایران هر روزه درگیر یك مبارزه همه جانبه علیه اسلام و قوانین و سنتها و حكومت اسلامی حاكم است. این جامعه برای خلاصی خود از شر هیولای اسلامی جانفشانیهای بسیاری كرده است. حكومت اسلامی برای اسلامیزه كردن جامعه هر روز میزند و دستگیر میكند و شكنجه میكند. ما هر روزه شاهد گوشه ای از یك جهاد ضد انسانی برای تحمیل اسلام بر زندگی و فكر و روان جامعه در مقابل مردمی كه نمیخواهند اسلامی باشند، هستیم. مردمی كه میخواهند آزاد و برابر و مرفه و امروزی باشند.

مبارزه ما علیه اسلام بمثابه یك صنعت مافیایی مبارزه ای فرهنگی و آگاهگرانه و سیاسی است. ما همانطور كه آزادی مذهب را برسمیت میشناسیم، در همان حال خواهان كوتاه كردن دست مافیای مذهب از زندگی مردم هستیم، همانطور كه جامعه را باید از شر مالاریا و طاعون و سایر مضرات اجتماعی باید نجات داد، باید جامعه را از شر مصائب دستگاه مذهب خلاص كرد.

***پرسش:*** *شهروندان ایران و شش كشور دیگر در لیست "ممنوع" شدگان قرار گرفته اند. برخی از جریانات ملی – اسلامی و اصلاح طلبان حكومتی میگویند كه چرا ایران در این لیست قرار گرفته است؟ در حالیكه افرادی با تابعیت عربستان سعودی، مصر و پاكستان و امارات متحده عربی عامل اجرایی بسیاری از اقدامات تروریستی درسطح جهان بوده اند؟ چرا این كشورها در لیست نیستند؟ پاسخ شما چیست؟*

**علی جوادی:** پاسخ من روشن است. همانطور كه قبلا اشاره كردم، ما مخالف پایه ای هر نوع مجازات دسته جمعی هستیم. ما نمیخواهیم شهروندان بی گناه عربستان سعودی و مصر و پاكستان به جرم جنایت جریانات و دولتهای تروریستی مجازات شوند. اگر گروههایی با تابعیت سعودی و یا مصری و پاكستانی مرتكب جنایاتی شده اند، باید به سراغ مجرمین و عاملین و آمرین این جریانات رفت. تعرض به مردم بیگناه به جرم "هم كشوری" بودن، یك سیاست تماما ارتجاعی است.

میدانم كه فهم این مساله برای ناسیونالیسم كپك زده ایرانی سخت است. شاید "تقصیری" هم ندارند!؟ ضدیت با نفس انسانیت انسان یك ركن ایدئولوژی و فكری این گرایش ارتجاعی است.

اما این كشورها در لیست كذایی ترامپ قرار ندارند چرا كه دولتهایشان (سعودی و پاكستان) بعضا در زمره شاخه ای از اسلام سیاسی هستند كه كم و بیش در كمپ آمریكا قرار دارند. مصر یك دولت نظامی پلیسی متحد آمریكا است. بعلاوه این یك انتخاب سیاسی است. حقیقی و واقعی نیست. گوشه ای از یك جدال سیاسی است. جدال اردوگاههای تروریستی در سطح جهان معاصر.

***پرسش:*** *گرایشات راست و ارتجاعی اپوزیسیون ایران، از سلطنت طلبان دو آتشه گرفته تا توده ای ها و مجاهدین در دفاع از این سیاست به خط شده اند. این اقدام و سایر سیاستهای سیاستهای ترامپ را اقدامی علیه رژیم اسلامی میدانند؟ آیا منفعت مبارزه علیه رژیم اسلامی ایجاب نمیكند كه با این سیاستها همسو شد؟*

**علی جوادی:** خیر! در درجه اول باید گفت كه این اقدام ارتجاعی مائده ای آسمانی برای حكومت اسلامی و سایر جریانات تروریست اسلامی در سطح خاورمیانه است. بر خلاف تصور این جریانات ارتجاعی در اپوزیسیون حكومت اسلامی جمهوری اسلامی به استقبال این "مائده" آسمانی میرود. دستشان در تعرض ارتجاعی و فالانژیستی علیه جامعه ای كه در گیر مبارزه ای جدی برای سرنگونی و خلاصی از حكومت اسلامی است، باز تر میشود. تاثیرات این اقدام مانند نقش جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای حكومت اسلامی است. از نظر ما هم اعمال تحریم های ضد انسانی و هم قرار دادن خطر جنگ در بالای سر جامعه اقدامی ضد مردمی و بیمارگونه است و كوچكترین ربطی به امر آزادی ندارد.

جریاناتی كه این واقعیت را نمی بینند، تاریخ را نمی بینند، جامعه را نمی بینند. این جریانات با حمایتشان از ترامپ تنها سیاهی و كراهت عمق سیاستهایشان را به نمایش میگذارند. همسویی این جریانات با تروریسم دولتی و میلیتاریسم آمریكا گوشه از استراتژی سیاهی است كه در مخیله دارند. افشای بی امان این جریانات و نشان ماهیت ضد انسانی سیاستها و اهدافشان یك وظیفه سیاسی ما در كسب آزادی و برابری و رفاه همگان و پیش شرط آن، سرنگونی حكومت اسلامی است.

ما در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی هیچگونه همسویی با میلیتاریسم و تروریسم دولتی نداریم. همسویی ما با امر آزادی و برابری و انقلاب كارگری است. همین!

***پرسش:*** *به عنوان سئوال آخر، ارزیابی و پیش بینی شما از این وضعیت چیست؟*

**علی جوادی:** دوره ای جدی از تلاطمات اجتماعی و سیاسی جهانی آغاز شده است. در یك سو ما شاهد تعرض جریان نئوفاشیست ترامپ و متحدین اش علیه بشریت مترقی و "خطر سوسیالیسم" هستیم. و در سوی دیگر شاهد اعتراضات گسترده ای كه نشان از بیداری و پایان یافتن دوران رخوت و سستی پس از پایان جنگ سرد می باشیم. تا همین جا بشریت مترقی توانسته است كه صفحات درخشانی در تاریخ مبارزات اجتماعی خلق كند. پیروزی در این مبارزات، پیروزی در این جدال عظیم نیازمند غلبه یك افق سوسیالیستی و رادیكال بر این اعتراضات اجتماعی است. مستلزم شكل گیری و رهبری احزابی از جنس كمونیسم كارگری درسطح جهانی است. سوسیالیسم تنها راه خلاصی از این بربریت و توحش سرمایه داری است. راه حل میانه ای در كار نیست.